



Explaining Educational Principles for the Correction of Human Behavioral Pathology Based on the Holy Quran

Mahdieh Hosseini¹ | Maryam Brahman^{2*}

1. PhD Student in Philosophy of Education, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: mahdiehoseini1375@gmail.com.
2. Associate Professor of Philosophy of Education, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: m.brahman@yahoo.com

Abstract

The present study was conducted with the aim of extracting and elucidating the educational principles governing the correction of human behavioral pathology, drawing upon the teachings of the Holy Quran. From the Quranic perspective, despite possessing transcendent potential, human beings face limitations and weaknesses across cognitive, emotional, and conative dimensions, which act as barriers to their educational flourishing. Identifying these obstacles and providing corresponding educational principles to reform and guide human capacities is an indispensable necessity. This research is a qualitative study employing the thematic analysis method. The required data were gathered through an interpretive study of verses related to human behavioral domains and were subsequently coded and organized using authoritative commentaries. Based on the research findings, the educational principles derived from the Quran for addressing behavioral pathologies were categorized into two levels: individual and social. Individual principles include: reminding and recalling divine blessings, self-monitoring and self-guarding, internal capacity building, asceticism (detachment from superfluities), active responsibility, and seeking divine grace. Social principles encompass enlightenment and the active transmission of values, the preservation of self-esteem and human dignity, appropriate interaction, and logical reasoning. Furthermore, this study provides a comparative analysis of the extracted Quranic principles alongside established educational theories in psychology. The results indicate that achieving an efficient educational system aligned with human nature (Fitrah) requires a comprehensive understanding of the human being with all their strengths and weaknesses, "as they are", and subsequently deriving principles from the source of revelation that can facilitate behavioral correction and evolutionary progress, "as they should be."

Keywords: Islamic Educational Principles, Behavioral Pathology, Quranic Anthropology, Thematic analysis, The Holy Quran.

Volume info

Vol. 33
Series: 69
Winter 2025

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
12 October 2025

Revised:
02 November 2025

Accepted:
22 November 2025

Published:
06 January 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857
E-ISSN: 2821-1685



Cite this Paper: Hosseini M & Brahman M. (2025). Explaining Educational Principles for the Correction of Human Behavioral Pathology Based on the Holy Quran. *Research in Islamic Education Issues*. 33(69), 37-65



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



تبيين المبادئ التربوية الموجهة لإصلاح علم أمراض السلوك الإنساني وفقاً للقرآن الكريم

مهديه حسيني^١ | مريم برهمن^{٢*}

١. طالب دكتوراه في فلسفة التربية، قسم الإدارة والتخطيط التربوي، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة الزهراء، طهران، إيران

Email: mahdiehoseini1375@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

Email: m.brahman@yahoo.com

المُلخَص

تهدف هذه الدراسة إلى استخراج وتبيين المبادئ التربوية الموجهة لإصلاح علم أمراض السلوك الإنساني بالاستناد إلى تعاليم القرآن الكريم. ومن منظور قرآني، فإن الإنسان رغم تمتعه بقابليات سامية، يواجه في أبعاده المعرفية والعاطفية والسلوكية حدوداً وضعفاً تمثل عائقاً أمام تحقق نموه التربوي. وبناءً على ذلك، فإن تحديد هذه الموانع وتقديم المبادئ التربوية المقابلة لتقوية القدرات الإنسانية وتوجيهها يُعد ضرورة لا غنى عنها. تندرج هذه الدراسة ضمن البحوث النوعية، وتعتمد منهج تحليل المضمون. جُمعت البيانات من خلال دراسة تفسيرية للآيات المرتبطة بمجالات السلوك الإنساني، ثم رُمزت ونُظمت بالاستفادة من التفسيرات المعتبرة. وتُظهر النتائج أن المبادئ التربوية القرآنية في مواجهة الاضطرابات السلوكية تُصنّف في مستويين: فردي واجتماعي. تشمل المبادئ الفردية: التذكير بالتَّعم، المراقبة الذاتية وصون النفس، بناء القدرات الباطنية، الزهد وترك فضول الحياة، تحمّل المسؤولية الفاعلة، وطلب الفضل الإلهي. أما المبادئ الاجتماعية فتضم: التنوير ونقل القيم بصورة فعّالة، حفظ الكرامة الإنسانية وعزّة النفس، المواجهة الرشيدة، والتعقّل المنطقي. علاوة على ذلك، قورنت المبادئ القرآنية المستخرجة مع النظريات التربوية في علم النفس مقارنةً تحليليةً. وتخلص الدراسة إلى أن بناء نظام تربوي فعّال ومنسجم مع الفطرة الإنسانية يستلزم معرفة شاملة بالإنسان بما له من قوّة وضعف «كما هو»، ثم استنباط مبادئ من المصدر الوحياني تُسهم في تقويم السلوك وتحقيق مسيرته التكاملية «كما ينبغي».

الكلمات المفتاحية: مبادئ التربية الإسلامية، علم أمراض السلوك، الأنتروبولوجيا القرآنية، تحليل المضمون، القرآن الكريم

السنة والرقم

المجلد: ٣٣

شباط ١٤٤٧

ورقة البحث

تاريخ المقالة

تاريخ الاستلام: ١٩ ربيع الثاني ١٤٤٧
تاريخ المراجعة: ١١ جمادى الأولى ١٤٤٧
تاريخ القبول: ٠١ جمادى الثاني ١٤٤٧
تاريخ النشر: ١٦ رجب ١٤٤٧

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857

E-ISSN: 2821-1685



استناد: حسيني، مهديه؛ برهمن، مريم، (١٤٠٤). تبيين المبادئ التربوية الموجهة لإصلاح علم أمراض السلوك الإنساني وفقاً للقرآن

الكريم؛ مجلة العمى البحث في قضايا التربية الاسلامية؛ ٣٣(٦٩): ٦٥-٣٧.

©
المؤلفون

الناشر: الجامعة الامام الحسين(ع)



OPEN ACCESS



تبیین اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌شناسی رفتاری انسان براساس قرآن کریم

مهديه حسینی^۱ | مریم برهمن^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

Email: mahdiehoseini1375@gmail.com

۲. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: m.brahman@yahoo.com

چکیده

مطالعه حاضر با هدف استخراج و تبیین اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌شناسی رفتاری انسان، با اتکاء به آموزه‌های قرآن کریم صورت پذیرفته است. از منظر قرآن، انسان به رغم برخورداری از قابلیت‌های متعالی، با محدودیت‌ها و ضعف‌هایی در ابعاد شناختی، عاطفی و کنشی مواجه است که به عنوان مانعی در مسیر شکوفایی تربیتی او عمل می‌کنند. شناسایی این موانع و ارائه اصول تربیتی متناسب برای اصلاح و هدایت ظرفیت‌های انسانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و از نظر روش، تحلیل مضمون است. داده‌های مورد نیاز با مطالعه تفسیری آیات مرتبط با ساحت‌های رفتاری انسان گردآوری و با استفاده از تفاسیر معتبر، کدگذاری و سازمان‌دهی گردید. براساس یافته‌های تحقیق، اصول تربیتی برگرفته از قرآن در مواجهه با آسیب‌های رفتاری، در دو سطح فردی و اجتماعی دسته‌بندی شد. اصول فردی شامل: تذکار و یادآوری نعمت‌ها، خودنظارتی و خویش‌بانی، ظرفیت‌سازی درونی، زهد و بی‌اعتنایی به زوائد، پذیرش مسئولیت فعالانه و طلب فضل الهی است. اصول اجتماعی نیز دربرگیرنده روشنگری و انتقال فعال ارزش‌ها، حفظ عزت نفس و کرامت انسانی، مواجهه شایسته و تعقل منطقی است. همچنین در این پژوهش، اصول قرآنی استخراج شده با نظریات تربیتی در روانشناسی بصورت تطبیقی بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهد که دستیابی به یک نظام تربیتی کارآمد و هم‌راستا با فطرت انسانی، مستلزم شناخت جامع انسان با همه قوت‌ها و ضعف‌هایش «آنچنان که هست» و سپس استنباط اصولی از منبع وحیانی است که بتواند زمینه تصحیح رفتار و حرکت تکاملی او را «آنچنان که باید» فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: اصول تربیت اسلامی؛ آسیب‌شناسی رفتاری، انسان‌شناسی قرآنی، تحلیل مضمون، قرآن کریم.

سال و شماره

سال ۳۳، پیاپی: ۶۹
زمستان ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

لکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



استناد: حسینی، مهديه؛ برهمن، مریم. (۱۴۰۴). تبیین اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌شناسی رفتاری انسان براساس قرآن کریم؛

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۳۳(۶۹): ۳۷-۶۵.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

شناخت انسان مهم‌ترین امر در تربیت است؛ اینکه حقیقت انسان چیست و این موجود از چه استعداد و ظرفیت وجودی برخوردار است، در جهت‌گیری تربیت و سیر انسان به سوی غایت نقشی تعیین‌کننده دارد. انسان دارای ابعاد فطریات و طبیعیات است، گاه، انسان در طبیعیات دچار ضعف‌هایی می‌شود و هردو جنبه به خطر می‌افتد، در راستای رشد فطریات انسان و به کمال رسیدن فطریات، به دنبال رشد و ارتقای طبیعیات نیز باید بود و ضعف‌های مطرح در طبیعیات را اصلاح و رفع کرد تا به این مهم دست یافت. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت الهی و به عنوان یک نظام جامع تربیتی، راهکارهایی عملی برای اصلاح رفتارها و رفع ضعف‌های انسانی ارائه می‌دهد. انسان به دلیل ویژگی‌های وجودی خود، از جمله غرایز، تمایلات نفسانی و تأثیرپذیری از محیط همواره در معرض آسیب‌های رفتاری نظیر تکبر، حسد، خشم و نفاق قرار دارد. قرآن کریم با تبیین این آسیب‌های رفتاری و ارائه اصول تربیتی، مسیری روشن برای تهذیب نفس و ارتقای اخلاقی انسان ترسیم می‌کند. ضرورت بررسی این اصول از منظر قرآن، در راستای پاسخ به نیازهای تربیتی جوامع معاصر و ارائه الگویی برای اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی است که می‌تواند به تقویت سلامت روانی و معنوی و کاهش آسیب‌های تربیتی منجر شود.

در میان سایر موجودات آفرینش انسان به گونه‌ای است که شکوفایی استعدادها و دستیابی‌اش به کمال نهایی، در سایه تعلیم و تربیت انجام می‌گیرد، تعلیم و تربیتی که مبتنی بر شناخت صحیحی از انسان و کمال شایسته او باشد و به شکل مناسبی رابطه انسان را با جهان، خلق و خالق ترسیم نموده و مقصد نهایی او و مسیر حرکت به سوی آن را ترسیم نماید (برهمن و موحدی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۸).

اصول، هسته مرکزی و رابط میان مبانی و روش‌هاست. حلقه واسطه، یاری‌رساننده‌ای مهم و راهنمای روش‌ها در تعلیم و تربیت هستند. اصول تعلیم و تربیت اسلامی، گزاره‌های تجویزی و کلی، خطاب به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت هستند که با اتکا به مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، رابطه میان انواع فعالیت‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت را با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌کنند و راهنمای عملیات مربوط هستند (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۰). لذا در بحث آسیب‌های رفتاری و روش‌های اصلاح آن، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. از سوی

دیگر ضرورت اصلاح آسیب‌های رفتاری انسان با بکارگیری اصول تربیتی براساس قرآن کریم را می‌توان از چند جهت مورد توجه قرار داد:

۱. تبیین آسیب‌های رفتاری انسانی در قرآن کریم: قرآن کریم به صراحت به آسیب‌های رفتاری انسان اشاره کرده و آنها را به عنوان موانعی در مسیر کمال معرفی می‌کند. به عنوان مثال در توضیح آیه ۱۹ سوره حشر بیان می‌دارد که فراموشی خدا نتیجه غفلت از خود و ارزش‌های وجودی انسان است که به فسق و انحراف رفتاری منجر می‌شود. این آیه نشان‌دهنده ضرورت تربیت نفس برای جلوگیری از غفلت و انحراف است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰؛ ج ۲۳: ۲۷۳).

۲. هدایت به سوی اصلاح رفتار و تقویت سلامت روانی و معنوی: قرآن کریم به شناسایی آسیب‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه راهکارهای عملی برای اصلاح آنها ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه می‌فرماید: «از صبر و نماز یاری جوید، و این کار جز برای خاشعان دشوار است.»^۱ در این آیه تأکید می‌کند که صبر و نماز به عنوان دو ابزار تربیتی، انسان را در برابر آسیب‌های رفتاری مانند بی‌صبری و اضطراب تقویت می‌کند. این آیه نشان‌دهنده ضرورت تدوین اصول تربیتی برای مهار ضعف‌های نفسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰؛ ج ۱: ۳۰۵).

۳. پاسخ به نیازهای تربیتی جوامع معاصر: در دنیای معاصر که با چالش‌های اخلاقی و رفتاری متعدد و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه هستیم، نیاز به الگوهای تربیتی مبتنی بر ارزش‌های الهی بیش از پیش احساس می‌شود. قرآن کریم با ارائه اصول تربیتی مبتنی بر فطرت انسانی، راهکارهایی جامع برای مقابله با این آسیب‌ها ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، می‌فرماید: «همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برایشان پاداشی بی‌پایان است.»^۲ در این باره تأکید می‌کند که ایمان و عمل صالح به عنوان دو رکن اصلی تربیت قرآنی، انسان را از آسیب‌های رفتاری مانند نفاق و خودبینی دور کرده و به سوی رفتارهای سازنده هدایت می‌کند. این آیه ضرورت تربیت مبتنی بر ایمان و عمل را برای اصلاح رفتارهای ناپسند نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰؛ ج ۲۰: ۳۸۷).

۱. «بقره، ۴۵»

۲. «فصلت، ۳۰»

۴. هدایت به سوی کمال انسانی: قرآن کریم انسان را موجودی دارای فطرت الهی معرفی می‌کند که برای رسیدن به کمال آفریده شده است. آسیب‌های رفتاری مانند حسد، کبر و خشم موانعی در مسیر این کمال هستند. خداوند می‌فرماید: «آن کس که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید، و اوست توانای آمرزنده»^۱ برای اساس هدف از خلقت، آزمایش انسان برای انجام اعمال نیک و دوری از رفتارهای ناپسند است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۴: ۲۹). اصلاح آسیب‌های رفتاری از طریق اصول تربیتی قرآنی، انسان را به سوی احسن عمل و کمال هدایت می‌کند.

۵. پیشگیری از فساد فردی و اجتماعی: آسیب‌های رفتاری مانند نفاق، دروغ و ظلم نه تنها به فرد آسیب می‌رسانند، بلکه جامعه را نیز به فساد می‌کشانند. «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند»^۲ اجرای عدالت در جامعه، مستلزم تربیت انسان‌هایی است که از آسیب‌های رفتاری مانند ظلم و خودخواهی آزاد شده باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۳: ۱۴۰). اصول تربیتی قرآنی با اصلاح رفتارهای نادرست، زمینه ساز عدالت اجتماعی و کاهش فساد است. شناخت اصول تربیتی متناظر با آسیب‌های رفتاری انسان براساس قرآن کریم، مربی و متربی را در مسیر رشد و تعالی و رفع کاستی‌ها یاری می‌رساند.

پیشینه پژوهش

پیشینه‌های مرتبط با موضوع این تحقیق ذیلاً بصورت خلاصه در جدول آمده است:

جدول ۱. عنوان با توضیح مختصر پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان
۱	شریعتی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه قرآن کریم در ارتباط با اصول تربیتی و فرهنگی معلمان در نظام آموزشی - پرورشی مدارس» به طور غیر مستقیم به ضعف‌های رفتاری دانش آموزان پرداخته و با استناد به آیاتی مانند آیه ۱۳۲ سوره طه «خانواده ات را به نماز فرمان ده»، نقش معلمان را در تربیت دینی و اصلاح رفتارها برجسته کرده است. در این مقاله با استفاده از

۱. «ملک، ۲»

۲. «حدید، ۲۵»

ردیف	عنوان
	اصول قرآنی مانند صبر و الگوسازی در پی آنند که ضعف‌های رفتاری دانش آموزان را اصلاح کرده و محیط آموزشی را به فضایی معنوی تبدیل کنند.
۲	برهمن و حسینی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ضعف‌های رفتاری انسان و روش‌های تربیتی اصلاح آن براساس قرآن کریم» به ضعف‌های رفتاری در حوزه فردی «غفلت در زندگی، ناسپاس بودن، غرور و تکبر، عجز بودن، حریص بودن، کم طاقتی و یأس در مواجهه با سختی‌ها» و در حوزه اجتماعی، مبانی مسخره کردن، عیبجویی، کینه‌توزی و نفاق را اشاره می‌کنند. متناظر با مبانی، جهت اصلاح ضعف‌های رفتاری در حوزه روش یاد حق، شکرگزاری، هوشیاری، شکیبایی، قناعت ورزی، بالا بردن آستانه تحمل در مواجهه با دشواری‌ها، بخشش، ارشادپذیری، ستاوت، تأثیرگذاری قلبی، سکوت مدبرانه و راستگویی پیشنهاد شده است.
۳	حکیم و مدنی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مفاهیم تربیتی در قرآن کریم» با تحلیل آیات قرآنی، به تشریح واژگان تربیتی و روش‌های اصلاح رفتار در مکتب اسلام پرداخته اند. این پژوهش به طور غیرمستقیم به اصلاح ضعف‌های رفتاری از طریق اصول تربیتی قرآنی مانند تشویق، موعظه و الگوسازی پرداخته است.
۴	نباتی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «مبانی ستایش و نکوهش انسان در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان و مفاتیح الغیب و نتایج آن بر حیات طیبه» به ویژگی‌های مذموم انسان در آیات مربوطه پرداخته است. یکی از این بخش‌ها ویژگی‌هایی است که در عین وجودی بودن، براساس جهل با اراده و انتخاب انسان گاهی دچار انحراف و در نتیجه اتصاف به آنها، آدمی مورد مذمت قرار می‌گیرد. از جمله غفلت از میرایی، شتابزدگی و طلب شر همپای خیر، کم ظرفیتی، تمنی، نهایت پستی در عین نیکوترین خلقت، آماده بدکاری، بخل، اغوا در اثر دشمنی آشکار شیطان، وسوسه گری نفس، ستمگری، خصومت با خدا، غرور، یأس، کفر و ظلم.
۵	بابلی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «موانع (نظری عملی) هدایت انسان با محوریت قرآن» به موانع متعددی در دو بخش نظری و عملی می‌پردازد که در بخش عملی این موانع عبارتند از: لجاجت، دنیا طلبی، تکبر، ستمگری، نژادپرستی و تعصبات قومی، فسق و گناه، حب دنیا، راحت طلبی و جبرگرایی.
۶	کریمی و زارعی جلیانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «آثار تربیتی ایمان به قیامت در زندگی دنیوی از منظر قرآن کریم» به طور خاص به اصلاح ضعف‌های رفتاری از طریق تقویت ایمان به معاد پرداخته است.

جدول ۲. مقایسه و تحلیل انتقادی یافته‌های پیشینه با پژوهش حاضر

ردیف	یافته‌های پیشینه	بررسی تطبیقی و انتقادی پیشینه‌ها با پژوهش حاضر	نوآوری پژوهش حاضر
۱	شریعتی و همکاران (۱۴۰۳)	محدود به نقش معلمان و فاقد آسیب‌شناسی فردی و اجتماعی	پیشنهادی عمومی تر، اصول را به اصلاح آسیب‌های رفتاری گسترش می‌دهد نه فقط نقش حرفه ای .
۲	برهنمن و حسینی (۱۴۰۲)	بر روش‌ها تاکید دارند نه اصول نظری	اصول را اولویت قرار می‌دهد و آسیب‌شناسی را به عنوان چارچوب تحلیلی نه توصیفی ارتقا می‌بخشد.
۳	حکیم و مدنی (۱۳۹۸)	توصیفی و غیر کاربردی، فاقد تحلیل آسیب‌شناختی	در اینجا مفاهیم را به اصول عملی برای اصلاح آسیب تبدیل می‌کند، از بازتاب به اقدام هدایت می‌شود.
۴	نباتی (۱۳۹۷)	محدود به ابزارهای تشویقی، تنبیهی بدون آسیب‌شناسی گسترده	در این قسمت، آسیب‌ها را فراتر از نكوهش، به اصول اصلاحی پیوند می‌زند برای حیات طیبه عملی
۵	بابلی (۱۳۹۵)	بر موانع متوقف می‌شود و فاقد راه‌حل‌های تربیتی است	در اینجا موانع را به عنوان آسیب‌شناسی بازتعریف و اصول قرآنی را برای غلبه بر آنها تشخیص می‌دهد؛ یعنی از تشخیص به درمان
۶	کریمی و زارعی جلیانی (۱۳۹۵)	خاص و غیر جامع؛ آسیب‌شناسی را نادیده می‌گیرد.	در اینجا اصول را به آسیب‌های رفتاری کلی گسترش می‌دهد برای تربیت فراگیر.

این پژوهش، با تمرکز بر "اصلاح آسیب‌شناسی" به عنوان محور، از تکرار کلی‌گویی‌های پیشین دوری می‌کند و اصول را به عنوان چارچوب تحلیلی-اصلاحی برجسته می‌سازد. پژوهش‌های پیشین اغلب توصیفی‌اند و کاربرد بالینی (مانند برنامه‌های اصلاحی برای اختلالات رفتاری) را نادیده می‌گیرند؛ این پژوهش خلأها را با مدل قرآنی پر می‌کند، پتانسیل تأثیرگذاری عملی (در مشاوره/آموزش) را افزایش می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

یکی از روش‌های سیستماتیک و منظم برای شناسایی ویژگی‌ها، دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و معانی موجود در پیام‌های متنی، گفتاری و تصویری روش تحلیل مضمون است (Krippendorff, 2013, p. 18). این روش امکان تجزیه و تحلیل عینی پیام‌ها را فراهم کرده و به پژوهشگران کمک می‌کند تا به صورت دقیق و قابل اتکا، معانی و الگوهای پنهان در داده‌ها را استخراج کنند. (Neuendorf, 2017, p. 11) منظور از مضمون، معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف استنباط می‌شود (زندى و میرزایی فر، ۱۴۰۳: ۶۸).

در این پژوهش، مراحل تحلیل مضمون بر اساس کریسول (۲۰۱۴) به اختصار طی گردیده است:

ضمن بهره‌مندی از تفاسیر المیزان و نمونه، ابتدا گزاره‌های آسیب‌شناسی رفتاری انسان براساس آموزه‌های قرآنی استخراج گردید. پس از آن، اصول تربیتی متناظر با آسیب‌های رفتاری استخراج و کدگذاری اولیه شد. سپس، مضامین پایه با توجه به کدگذاری اولیه بدست آمده‌اند. به منظور دستیابی به مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه باردیگر مورد بررسی قرار گرفتند. در گام بعد، مضامین سازمان‌دهنده مشخص شد. برای اعتباریابی پژوهش، از روش دلفی استفاده شد به نحوی که تمامی محتوا از کدگذاری‌ها و طبقه‌بندی مفاهیم برای هشت نفر از اعضای هیئت علمی متخصص مرتبط، ارسال گردید و بررسی‌ها و اصلاحات پیشنهادی ایشان، اعمال و دوباره جهت بررسی مجدد ارسال و سرانجام توسط اساتید یاد شده، تأیید نهایی گردید. در هرکدام از مراحل فوق، با وجود استخراج مؤلفه‌ها از آیات، برای افزایش یافتن دقت کار، دوباره به متن و تفاسیر معتبر آیات قرآن مراجعه شده است.

به عنوان نمونه، برای دستیابی به اصل تذکار، ابتدا این کلیدواژه در نرم افزار جامع قرآنی جستجو و سوره‌ها و آیاتی که در این زمینه بودند، استخراج گردید. این آیات (متن عربی) شناسایی شده به عنوان کد مفهوم یا مضامین پایه قرار گرفتند، سپس ترجمه و تفسیری که به این کلیدواژه نزدیک بودند به عنوان مضامین سازمان دهنده و سپس مضمون فراگیر و کلی که همان اصل می‌باشد، بدست آمد؛ طوری که همه این مفاهیم پایه و سازمان دهنده را با نگاهی جامع در خودش داشته باشد.

سؤالات پژوهش

کدام اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌شناسی رفتاری انسان براساس قرآن کریم را میتوان استخراج نمود؟

یافته‌های پژوهش

ویژگی بارز علوم کاربردی همچون تربیت آن است که در پی ایجاد تغییرات مطلوب در عرصه‌های مختلف هستند. در علوم کاربردی، متناسب با ویژگی این علوم، «اصل» دارای معنای معینی و ناظر به «باید»ها است و دستورالعملی کلی که به عنوان راهنمای عمل و رسیدن به مقصود گزاره‌های «چه باید کرد» را شامل می‌شود (قیصری گودرزی به نقل از مشایخی، ۱۴۰۲: ۱۳۱). اصول تربیتی از ویژگی‌های عمومی انسان (مانند فطرت، عقلانیت و خلیفه الله بودن) استخراج می‌شوند و روش‌ها پیوند اجرایی می‌باشد. بنابراین، اصول چارچوب نظری و روش‌ها، «ابزارهای عملی» برای ایجاد تغییر در فرد. می‌باشد (باقری، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۹). از منظر انسان‌شناسی قرآنی، انسان از قابلیت‌های متعالی برخوردار است که به اختصار در جدول زیر اشاره شده است.

جدول ۳. تبیین انسان‌شناسی قرآنی و دلالت‌های تربیتی آن

ردیف	مؤلفه انسان شناختی قرآنی	آیات کلیدی	معنای دقیق	دلالت‌های تربیتی
۱	فطرت	آیه ۳۰ سوره روم	انسان با گرایش ذاتی به	تربیت نباید فطرت

ردیف	مؤلفه انسان شناختی قرآنی	آیات کلیدی	معنای دقیق	دلالت‌های تربیتی
			توحید و خیر آفریده شده؛ محیط و تربیت فقط آن را منحرف یا بیدار می‌کند	را بسازد، بلکه باید آن را از غبار غفلت پاک کند
۲	اختیار	آیه ۲۹ سوره کهف؛ آیه ۳ سوره انسان	انسان نه مجبور است و نه بی مسئولیت؛ اختیار او محدود به چارچوب قدرت الهی است	تربیت باید اختیار را به سمت خیر هدایت کند نه سلب؛ انسان مسئول انتخاب خود است
۳	عقل	آیه ۱۹۱ سوره آل عمران	عقل مهمترین ابزار هدایت و بزرگترین نعمت الهی پس از وحی است	تربیت باید عقل را فعال و از تعطیل شدن آن جلوگیری کند
۴	قوای نفسانی	آیه ۵۳ سوره یوسف؛ آیات ۷-۱ سوره شمس	انسان دارای دو نیروی متضاد است: نیروی حیوانی "شهوت و غضب" و نیروی الهی "روح و قلب"	تربیت باید نفس را از حالت اماره به لوامه و سپس مطمئنانه برساند
۵	قلب؛ مرکز درک و پذیرش هدایت	آیه ۴۶ سوره حج؛ آیه ۲۴ سوره انفال	قلب می‌تواند قفل شود یا گشاده گردد؛ شرح صدر بالاترین موهبت تربیتی است	تربیت باید قلب را برای پذیرش حق آماده کند
۶	خلیفه الله بودن	آیه ۳۰ سوره بقره	انسان جانشین خدا در زمین است؛ هم عبد است و هم دارای عزت و کرامت	تربیت باید عزت نفس و حس مسئولیت اجتماعی را پرورش دهد

با اين وجود در ابعاد شناختي، عاطفي و كنشي خود با كاستي ها و آسيب هايي مواجه است كه چنانچه شناسايي و اصلاح نشود مانعي در مسير شكوفايي تربيتي خواهد بود. بنا بر اين پيش از تبیین اصول تربيتي ناظر بر اصلاح آسيب شناسي رفتاري انسان، ابتدا آسيب هاي رفتاري براساس انسان شناسي در آيات قرآن كريم بررسي مي شود؛ آسيب ها در دو حوزه رفتاري تقسيم مي گردد: حوزه رفتار فردي شامل غفلت در زندگي^۱، ناسپاس بودن^۲، غرور و تكبر^۳، جزع و بي تابي^۴، حريص بودن^۵، كم طاقتي و يأس در سختي ها^۶، بخل ورزي^۷ و حوزه رفتار اجتماعي شامل تمسخر^۸، عيب جويي^۹، افشاي اسرار^{۱۰}، تجسس^{۱۱}، غيبت^{۱۲}، تهمت^{۱۳}، كينه توزي^{۱۴}، نفاق^{۱۵}، حسد^{۱۶} و خشم^{۱۷} مي باشد.

اصول تربيتي ناظر بر اصلاح آسيب هاي رفتاري نيز در دو سطح ياد شده با روش تحليل مضمون براساس آيات قرآن كريم استخراج مي شود؛ اصول تربيتي، با عنوان شواهد قرآني (كد مفهوم) استخراج و در قالب مضامين پايه، مضامين سازمان دهنده و مضمون فراگير (اصول) به ترتيب در جدول ذيل آمده است:

۱. «يوسف، ۹».
۲. «ابراهيم، ۷۷».
۳. «اعراف، ۱۴۶».
۴. «اسراء، ۱۱».
۵. «معارج، ۲۱-۱۹».
۶. «مومنون، ۷۷».
۷. «آل عمران، ۱۸۰».
۸. «حجرات، ۱۱».
۹. «همزه، ۱».
۱۰. «تحریم، ۳».
۱۱. «حجرات، ۱۲».
۱۲. «حجرات، ۱۲».
۱۳. «نور، ۲۳».
۱۴. «حشر، ۱۰» و «آل عمران، ۱۶۱».
۱۵. «بقره، ۱۰».
۱۶. «نساء، ۵۴».
۱۷. آل عمران، ۱۳۴».

جدول ۴. کدگذاری و طبقه بندی مضامین پایه تا فراگیر اصول تربیتی ضعف های رفتاری

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده / کد مفهوم
اصول فردی	تذکار	سفارش کردن به حضرت آدم «ع» مبنی بر نخوردن میوه ممنوعه؛ اندرز دادن مردم با قرآن؛ قرآن مایه هدایت و تذکر؛ یادآوری سرگذشت های سازنده؛ توجه به قرآن برای ترسیدن از خدا؛ برپایی نماز بهترین یادآوری برای رفع بدی ها	«طه/۱۱۵»؛ «انعام/۷۰»؛ «غافر/۵۴»؛ «قلم/۵۲»؛ «ص/۴۹»؛ «طه/۳»؛ «زخرف/۴۴»؛ «یس/۶۹»؛ «سجده/۲۲»؛ «عنکبوت/۵۱»؛ «هود/۱۲۰ و ۱۱۴»؛ «یوسف/۴۲»؛ «کهف/۵۷»؛ «غاشیة/۲۱»؛ «یونس/۷۱»؛ «اعلیٰ/۹»
	یادآوری نعمت ها	هشدار به یادآوری نعمات به بنی اسرائیل؛ سپاسگزاری از نعمات بی شمار و دوری از عذاب؛ نعمت فرستادن پیامبران بر اقوام؛ هشدار به خوردن نعمت های حلال؛ بخشیدن سلامتی و ثروت و اولاد و امنیت به انسان؛ حرام بودن آب و نعمت های بهشتی بر کافران؛ ناتوان بودن انسان در شمارش نعمت های خدا؛ از نعمت های خداوند؛ آفریدن همسرانی از جنس خودتان؛ روان بودن کشتی ها در دریاها؛ نعمتی برای نشان دادن قدرت خدا؛ عدم انکارپذیری نعمات خدا؛ وجود همه نعمت ها برای سعادت مندان؛ از نعمت های خداوند؛ یاری و پیروزی نزدیک؛ بازپرسی از نعمت ها در روز قیامت	«بقره، ۱۲۲، ۹۴، ۵۸، ۴۷، ۴۰»؛ «آل عمران/۳۷»؛ «نساء/۳۲، ۱۴۷»؛ «مائده/۸۸، ۲۰»؛ «انعام/۶، ۴۴»؛ «هود/۹»؛ «اعراف/۵۰»؛ «توبه/۲۱، ۶۹»؛ «یونس/۹۳»؛ «هود/۴۸»؛ «ابراهیم/۳۴»؛ «نحل/۱۸، ۵۳»؛ «اسراء/۷۰»؛ «۱۲۱، ۱۱۴، ۷۲، ۵۵»؛ «طه/۵۴»؛ «انبیاء/۱۱۱، ۱۰۲، ۴۴»؛ «شعرا/۵۷»؛ «قصص/۵»؛ «روم/۲۰، ۳۴، ۲۸، ۷»؛ «لقمان/۳۱، ۲۰»؛ «صافات/۱۴۸»؛ «زخرف/۲۹»؛ «دخان/۲۷»؛ «جاثیه/۱۲»؛ «احقاف/۲۰»؛ «ق/۳۵»؛ «طور/۱۹»؛ «نجم/۵۵»؛ «الرحمن/۱۳»؛ «واقعه/۳۸»؛ «ص/ف/۱۳»؛ «مدثر/۱۴»؛ «انسان/۲۲»؛ «مطففین/۲۶»؛ «غاشیة/۱۵»؛ «ضحیٰ/۱۱»؛ «تکواثر/۸»
	خودنظارت	خداوند سرپرست کسانی که از تاریکی به سوی نور	«بقره/۲۵۷»؛ «آل عمران/۷۶»؛ ۳۴، ۷۶

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	شواهد قرآنی کدگذاری شده / کد مفهوم
		خدا و نرم کردن آهن برای او؛ از فضل خدا؛ قراردادن شب برای آرامش و روز برای انجام امور	۱۰، ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۳۸؛ «نمل/۷۳»؛ «روم/ ۴۵»؛ «احزاب/۴۷»؛ «سبأ/۱۰»؛ «فا طر/۳۵، ۳۰»؛ «غافر/۶۱»؛ «شوری/۲۶»؛ «دخان/۵۷»؛ «جاث یه/۱۲»؛ «فتح/ ۲۹»؛ «حدید/۱۹، ۲۱»؛ «حشر/۸»؛ «جمعه/۱۰»
	روشنگری و انتقال فعال ارزش‌ها	پرسش از پیامبران درباره تبلیغ دین در روز قیامت؛ جهاد فرهنگی و تبلیغی پیامبران با قرآن؛ عدم دریافت پاداش در قبال تبلیغ دین	«اعراف/۶»؛ «فرقان/۵۲، ۵۷»؛ «ش عرا/۱۶۷»؛ نحل/ ۳۵»
	حفظ عزت نفس و کرامت انسانی	عزت مند بودن پروردگار و منزّه بودن از آنچه او را توصیف می‌کنند؛ اعطای عزت و حکومت به هرکس که خدا بخواهد؛ همه عزت نزد خداست؛ قرآن مایه عزت و شرف برای مردم	«صافات/۱۸۰»؛ «آل عمران/۲۶»؛ «نساء/۱۳۹»؛ «یون س/۶۵»؛ «فاطر/۱۰»؛ «زخرف/۴۴، ۵۳»
	مواجهه شایسته	عدم یکسانی نیکی و بدی، دفع بدی با نیکی و تبدیل دشمنی به دوستی؛ بی تکبر بودن بندگان و پاسخ سخنان نابخردانه با ملایمت و سلامت نفس	«فصلت، ۳۴»؛ «فرقان، ۶۳»
	تعقل منطقی	نشانه‌های قدرت و ربوبیت خدا برای صاحبان خرد؛ تعقل اهل معرفت و دانش در مثل‌های قرآنی و شگفتی‌های آفرینش؛ اندیشیدن در رزق حلال و نشانه‌های خدا	«بقره/۱۷۱» - «۱۷۰»؛ «بقره/۴۴»؛ «فجر/۵»؛ «طه/ ۵۴»؛ «آل عمران/۶۵»؛ «عنکبوت/۴۳»؛ «نح ل/۷۸»؛ «روم/۲۸»؛ «نحل/۱۲»؛ «رع د/۴»؛ «روم/۲۴»؛ «اعراف/۱۶۹»؛ «ی ونس/۳۹»

۱. بحث و تحلیل

عملکرد انسانی در راستای مولفه‌های بیش‌ی، گرایش و کنشی شکل می‌پذیرد. این سه جزء، به ترتیب شناختی، عاطفی و رفتاری، سازوکارهای اصلی رفتار و تصمیم‌گیری انسان‌ها را شکل می‌دهند. بینش به فرد کمک می‌کند تا واقعیت‌ها را بفهمد، گرایش تعیین‌کننده تمایلات و ارزش‌های اوست و نهایتاً کنش به عنوان تجلی عملی این دو مولفه نمود می‌یابد.

۱,۱,۱. اصول تربیتی متناظر با ضعف انسان در حوزه رفتار فردی:

اصول تربیتی، در چارچوب انسان‌شناسی اسلامی، انسان را موجودی چندبعدی (دارای عقل، فطرت، و اختیار) معرفی کرده و نشان می‌دهند که تربیت قرآنی با تمرکز بر فعال‌سازی ظرفیت‌های فطری و عقلانی، قادر به اصلاح آسیب‌های رفتاری و هدایت انسان به سوی سعادت است.

۱,۱,۱. تذکار

قرآن بر تذکار تاکید فراوان دارد «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات / ۵۵)؛ تذکار، ذکر کردن و به یاد آوردن است (معین، ۱۳۸۶: ۱۴۵۲). تذکار سبب به یاد آوردن حقایق نهفته‌ی ناخودآگاه در ضمیر فرد می‌شود (شمشیری، رحیمیان و تجلی اردکانی، ۱۳۹۸: ۳۳۵). پاره‌ای از آسیب‌ها زاده نادانی و پاره‌ای زاده نسیان است و گونه دوم عامل وسوسه‌پذیری و شکستن عزم انسان می‌گردد.^۱ بعنوان اصل تربیت دو ثمر دارد؛ یادآوری علم فراموش شده و برانگیختن علم فراموش نشده اما بی‌خاصیت. غفلت از یاد حق و فراموش کردن حقیقت هستی منتج به فراموشی حقیقت خویش‌شناسی می‌گردد^۲ و در نتیجه شیطان امکان ورود به وجود انسان را می‌یابد.

مقصود از «فَذَكِّرْ»^۳ در آیه «پس تذکر بده که همانا تو تذکردهنده‌ای»^۴ آن است که ای پیامبر به ایشان با این دلیل‌ها تذکر بده و امر کن تا (بدین وسیله) بر توحید پروردگار و تنبه بر آن استدلال کنند. بدین معنا که وقتی معلوم شد خدای سبحان رب ایشان است و رب دیگری سوای او ندارند

۱. «طه، ۱۱۵»

۲. «حشر، ۱۹»

۳. این جمله به دلیل اینکه حرف فاء دارد تفریع بر مطالب گذشته و نتیجه‌گیری از آنهاست

۴. «غاشیه، ۲۱»

و نیز معلوم شد که در پیش رو یوم الحساب و یوم الجزا را دارند که در آن روز مؤمن و کافرشان جزا داده می شوند، به امید اینکه دعوت را اجابت کنند و به طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار ایمان آورند (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰: ۴۶۰). این اصل، متناظر با اصلاح آسیب «غفلت در زندگی»^۱ می باشد. یکی از مصداق های عملی این اصل در محیط های تربیتی این است که هر روز صبح در مدرسه یا خانه، یک دقیقه «تذکره صبحگاهی» با صدای بلند داشته باشیم یعنی یک آیه یا حدیث کوتاه درباره مرگ، قیامت و یا نعمت ها خوانده شود.

۱،۱،۲. یادآوری نعمت ها

یادآوری نعمت ها و شکرگزاری به درگاه خداوند یعنی شناخت منعم با وصف نعمت رسانی، سرور و شادمانی آمیخته با تواضع از نعمت دهی او و اقدام قلبی-زبانی و جوارحی برای تشکر و صرف نعمت در مسیری که او می خواهد (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۳۳۴). این توجه به نعمت ها هم درجه معرفت و جهان بینی و جهان شناسی توحید در انسان را بالا می برد و هم شعله عشق خدا در اعماق قلب را فروزانتر می کند و هم حس شکرگزاری را تحریک می نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۱۸۶). این اصل در راستای اصلاح آسیب رفتاری انسان در «کفران نعمت» تبیین می گردد. یکی از مصداق های عملی این اصل در محیط های تربیتی این است که در مدرسه «دیوار شکرگزاری» داشته باشیم و هر دانش آموز در کاغذهای رنگی، نعمت های شخصی را می نویسد و به دیوار می زند.

۱،۱،۳. خودنظارتی و خویشن بانی

در آثار مریان مسلمان^۲ با تعابیر ریاضت و مجاهدۀ درونی و در قرآن کریم معادل تقوا یاد شده است. رفتارهای پسندیده معمولاً با محدودیت هایی همراه اند و پذیرش محدودیت برای انسان دشوار است و مشقت دارد، در این مسیر بوسیله عاملی درونی و بدون نیاز به عامل بیرونی رفتارهای اخلاقی را انجام داده و از رفتارهای ضد اخلاقی دوری می کند (داودی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). در نگاه کلی، تقوا، به عنوان کنترل نیرومند معنوی^۳ توصیف می گردد. تا مرحله ای از تقوا در وجود انسان نباشد (مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) محال است انسان از

۱. «یونس، ۱۲؛ فرقان، ۴۴؛ اعراف، ۱۷۸»

۲. همچون شیخ اشراق و مولوی

۳. «بقره، ۵-۲»

هدایت کتابهای آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۵). برای اصلاح آسیب رفتاری مانند غرور و تکبر، تلاش می‌شود با تحمیل امور مخالف عادت‌ها و امیال، نفس رفته رفته از ویژگی‌های نامطلوب پیراسته و به ویژگی‌های مطلوب آراسته گردد. یکی از مصداق‌های عملی این اصل در محیط‌های تربیتی این است که نوجوانان برای خودشان برگه ساده «نمودار مراقبه» هفتگی برای خودشان در نظر بگیرند و روی برگه علامت بزنند.

۱,۱,۴. ظرفیت‌سازی درونی

ظرفیت‌سازی درونی معادل شرح صدر در آموزه‌های دینی می‌باشد. شرح در لغت به معنای بسط و گسترش دادن و صدر به معنای سینه آمده و البته منظور فقط معنای مادی و لغوی نیست، بلکه معنای کنایی آن که مراد گسترش سینه به نور الهی، و آرامش روحی و روانی از جانب خدا (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱: ۴۷۷) می‌باشد. شرح صدر^۱ در حقیقت نقطه مقابل ضیق صدر است. اصولاً هیچ رهبر بزرگی نمی‌تواند بدون ظرفیت درونی و شرح صدر به مبارزه با مشکلات رود و آنکس که رسالتش از همه عظیم‌تر است شرح صدر او باید از همه بیشتر باشد و این عظیم‌ترین هدیه الهی به رسول‌الله بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۷: ۱۲۱). با توجه به این اصل که متناظر با «جزع و بی تابی» است، انسان باید تاب تحمل شنیدن عقاید متفاوت را داشته باشد، تفاوت‌ها و اختلافات نظر را پذیرفته یا حداقل تحمل نماید و و سپس به انجام رفتاری بپردازد (حسنی، ۱۳۷۹: ۴۵۱).

۱,۱,۵. زهد و بی‌اعتنایی به زوائد

زهد به معنای ترک دنیای مذموم و دل‌کندن از آن است (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۵۹). رسول خدا (ص) فرمودند: «به آخرت دست نمی‌یابید مگر با ترک دنیا و دل‌کندن از آن؛ شما را سفارش می‌کنم دوست بدارید آنچه را خدا دوست می‌دارد و دشمن دارید آنچه را خدا دشمن می‌دارد.» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۵۴). حقیقت «زهد» که در برابر «رغبت» قرار دارد، همان بی‌اعتنایی (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۸۴) نسبت به مواهب مادی و به تعبیر دیگر «عدم وابستگی نسبت به دنیا و مظاهر دنیا می‌باشد، هر چند فرد امکانات وسیعی در اختیار داشته باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۱۲-۳۰۳). لذا زاهد در عین کار و تلاش و بهره‌مندی، به دنیا بی‌اعتنا است.

۱. «شرح، ۱»

زهد در اسلام، قوت و قدرت روحی است و دارای اهدافی اعم از ایثار، همدردی، آزادی و آزادگی (مطهری، ۱۴۰۲: ۷۷-۹۵) و ثمراتی همچون علم و حکمت و بصیرت؛ آرامش و آسودگی و اصلاح امور و عزت و عظمت می‌باشد. بسیاری از آسیب‌های رفتاری همچون «حریص بودن»، برای جلوگیری از اینکه انسان مایهٔ سعادت خود را مایهٔ شقاوت خود سازد، اصلاح می‌شود. یکی از مصادق‌های عملی این اصل در محیط‌های تربیتی (خانواده) این است که یک چالش طراحی شود بدین شکل که نوجوانان ۴۰ روز بدون خرید غیر ضروری، روزگار بگذرانند.

۱,۱,۶. پذیرش مسئولیت فعالانه

در نگرش اسلامی، انسان با الزام‌ها و بایدهای بیرونی روبه‌رو است. خداوند بایدهایی را فراروی انسان نهاده است که تخطی از آنها مجازات در پی خواهد داشت؛ اما این بایدها در عین حال منطبق پذیر و قابل دفاع است و لذا در پیروی از آنها نیازی به اکراه و اجبار نیست^۱ (باقری، ۱۳۹۹: ۱۵۰). کافران علی‌رغم رحمت‌ها و هشدارها، همچنان در انکار به سر می‌برند تا اینکه عذاب الهی فرا رسد و آنها را به یأس کامل برساند. کلمه «مبلسون» به معنای کسانی است که از هر راهی مأیوس شده و هیچ امیدی ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۲۴۷). از مصادیق عملی این اصل در محیط‌های تربیتی این است که در مساجد طرحی با عنوان «هر نوجوان یک مسئول» برپا شود: یکی مسئول کتابخانه و یکی مسئول کمک به سالمندان باشد و دیگر اینکه جلسات هفتگی «حلقه تواصی به حق»^۲ برگزار شود یعنی هر کس نقطه ضعفی از خودش را بگوید و دیگران با مهربانی او را نصیحت کنند.

۱,۱,۷. طلب فضل الهی

«فضل» به عنوان لطف و نعمت الهی در پاداش مؤمنان^۳ شامل نعمت‌های معنوی و مادی است و خداوند شادمانی مؤمنان از این لطف الهی را نشانه ایمان عمیق آنها می‌داند (مکارم شیرازی،

۱. «بقره، ۲۵۶»

۲. با استناد به آیه ۳ سورهٔ عصر «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

۳. «آل عمران، ۱۷۱»

۱۳۸۰، ج ۳: ۱۶۷-۱۶۵). با توجه به اصل «فضل» در رابطه تربیتی باید عدم موازنه را الگو قرار داد. خداوند خود در مقام تربیت انسان، به وفور با او به فضل رفتار می‌کند^۱ (باقری، ۱۳۹۹: ۱۶۳). طبق این اصل به منظور افزایش اراده و جهت دهی صحیح‌تری به سوی رفتار پسندیده، می‌بایست هر عمل شایسته او مورد توجه قرار گرفته و به آن پاسخی مثبت نشان داد تا نهایتاً بصورت تدریجی، بخل ورزی انسان اصلاح و رفع شود.

۱،۲. اصول تربیتی متناظر با ضعف انسان در حوزه رفتار اجتماعی:

بسیاری از آسیب‌های رفتاری انسان در حوزه اجتماعی نشأت گرفته از آسیب‌های رفتاری در حوزه فردی است؛ لذا با توجه به اینکه اصول در حوزه رفتار فردی بررسی گردید سعی بر اختصار بررسی در حوزه رفتار اجتماعی است.

۱،۲،۱. روشنگری و انتقال فعال ارزش‌ها

در قرآن کریم به این اصل اشاره شده است. در آیه ۳۵ سوره نحل آمده «...پس آیا بر فرستادگان ما وظیفه ای جز رساندن آشکار است؟» یعنی اولاً اینکه مخالفان می‌گویند خداوند سکوت کرده در صورتی که خداوند سکوت نکرده است و هر پیامبری آمده آشکارا دعوت به توحید و نفی شرک نموده است، ثانیاً وظیفه خدا و پیامبر مجبور ساختن نیست، بلکه نشان دادن راه و ارائه طریق است و این کار انجام شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۲۱۹). خداوند اسباب هدایت مردم را فراهم کرده است، پس نمی‌خواسته کسی منحرف شود، ولی کسی را هم بر ایمان آوردن مجبور نکرده است، زیرا ایمان اجباری ارزش ندارد (قزائنی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۵۱۶). اصل روشنگری می‌تواند به اصلاح رفتارهای ناپسندی همچون تمسخر و امثال آن کمک نماید. قرآن، روشنگری^۲ را به سه دسته حکمت^۳، موعظه حسنه^۴ و جدال احسن^۵ تقسیم می‌کند که هر کدام می‌توانند در فرایند تربیت و اصلاح آسیب‌های رفتاری نقش ایفا کنند. در اینجا ابتدا

۱. «نور»، ۱۴

۲. «نحل»، ۱۲۵

۳. «حجرات»، ۱۱

۴. «مائده»، ۲۷-۳۱

۵. «احزاب»، ۷۰

آسیب‌های رفتاری یا همان آسیب در ساحت کنشی که نشأت گرفته از آسیب در ساحت‌های بینشی یا گرایشی همچون بخل، خشم یا تمسخر می‌باشد شناسایی شود، سپس فرد با صبر و محبت^۱ دعوت شود و با استفاده از الگوسازی^۲ و ابزارهای قرآنی (تلاوت آیات، داستان‌های انبیا یا احادیث مرتبط) و پیگیری و تشویق^۳ روند اصلاح را طی کند.

۱،۲،۲. حفظ عزت نفس و کرامت انسانی

عزّه حالتی است که مانع مغلوب شدن انسان می‌گردد (حالت شکست‌ناپذیری) و بر دو گونه است گاه ممدوح و شایسته است، چنان که ذات پاک خدا را به عزیز توصیف می‌کنیم، و گاه عزت مذموم و آن نفوذناپذیری در مقابل حق و تکبر از پذیرش واقعیات می‌باشد، و این عزت در حقیقت ذلت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۹: ۲۰۹). چنانکه در قرآن کریم در این معانی آمده است.^۴

خداوند در قرآن علاوه بر صاحب عزت، تدبیرگر عزت و عزت‌پرور توصیف شده است.^۵ این اصل اصلاح‌کننده بسیاری از آسیب‌های رفتاری همچون عیجویی، افشای اسرار، تجسس، غیبت و تهمت می‌باشد. یکی از مصداق‌های عملی این اصل در محیط‌های تربیتی این است که در مدرسه قانونی وضع شود با این عنوان «هیچکس حق ندارد کسی را با القاب بد صدا کند» در غیر این صورت متخلف، باید در حضور جمع، عذرخواهی علنی کند.

۱،۲،۳. مواجهه شایسته

در فطرت انسان خیر اخلاقی و گرایش به فضیلت‌ها وجود دارد. رسول اکرم (ص) در پاسخ فردی که خواستار توصیه ای از ایشان بودند فرمودند: با روی گشاده با برادران مؤمنت برخورد نما (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰۳). مراد از «هوتاً»^۶ زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگی با روحیه‌ای

۱. «طه، ۴۴»

۲. «احزاب، ۲۱»

۳. «آل عمران، ۱۰۴ و بقره، ۵»

۴. «ص، ۲»

۵. «صافات، ۱۸۰»

۶. «فرقان، ۶۳»

است که خداوند آفریده و منظور برخورد مسالمت آمیز می‌باشد. همچنین در «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است»^۱ دفع بدی‌های دشمن با روش نیکو کافی نیست، بلکه به نیکوترین روش‌ها و برترین رفتارهای اخلاقی توصیه شده است.

برخی آسیب‌های رفتاری مثل کینه و نفرت، قبل از آنکه دیگران را مورد اذیت و آزار قرار دهد، آرامش و آسایش خود فرد را سلب می‌کند. با توجه به آیات مطرح شده، برای اصلاح آسیب کینه توزی، اصل مواجهه شایسته در آموزه‌های قرآنی توصیه شده است.

۱،۲،۴. تعقل منطقی

عقل در معنای «نیروی تشخیص و بازشناخت حق از باطل در قلمرو شناخت‌های نظری، و خیر از شر در قلمرو شناخت‌های عملی، و بازدارنده از سینات و سوق دهنده به حسنات» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۸۹). آمده است. شرط حصول عقل عدم پیروی از هواهای نفس است تا درک و فهم به اقتضای فطرت صورت پذیرد. کسی که در اعتقاد و اعمال خود متکی به دلیل روشنی نیست هم به خویش و هم به دیگران ستم کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۱۶۸). دعوت به تفکر و دوری از تقلید کورکورانه، در راستای بهره مندی از عقل و استدلال منطقی است و پرستش غیرخداوند بدون دلیل و علم، نتیجه جهل و تقلید کورکورانه از سنت‌های غلط است. بسیاری از آسیب‌های رفتاری از جمله نفاق و حسد، با توجه به شناسایی حق و باطل در پای بندگی به اصل تعقل اصلاح می‌گردد. یکی از مصداق‌های عملی این اصل در محیط‌های تربیتی این است که در کلاس‌های قرآن، به جای صرفاً حفظ صوت، هر هفته یک آیه مربوط به احکام (مثل آیه قرض دادن در سوره بقره) انتخاب شود و نوجوانان در گروه‌های ۴ نفره بحث کنند که خداوند چرا اینقدر جزنی دستور داده و چه حکمت‌هایی دارد؟ و نتایج را ارائه دهند.

در بخش دیگر میتوان اصول قرآنی ارائه شده را با نظریه‌های نوین تربیتی (رفتارگرایی، خودتنظیمی و رشد اخلاقی کلبرگ) مقایسه کرد.

رفتارگرایی رادیکال اسکینر تأکید بر رفتار قابل مشاهده، تقویت / محرومیت و نقش محیط در تغییر رفتار دارد. نظریه رشد اخلاقی کلبرگ شش مرحله‌ی رشد قضاوت اخلاقی را در سه سطح

۱ «فصلت، ۳۴»

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

توصیف می‌کند؛ تمرکز اصلی بر "استدلال اخلاقی" نه صرف رفتار است. خودتنظیمی به فرایندهای خود-هدایت شونده شامل تعیین هدف، نظارت بر خود، تنظیم استراتژی‌ها و خود-بازخورد اطلاق می‌شود.

جدول ۵. مقایسه تطبیقی اصول قرآنی با نظریه‌های نوین تربیتی

ردیف	اصول قرآنی	نظریه رفتارگرایی	خودتنظیمی	رشد اخلاقی کلبرگ
۱	تذکار و یادآوری نعمت‌ها	همپوشانی: تقویت مثبت (پاداش الهی) برای تغییر رفتار اما قرآن درونی تر است (ذکر قلبی)	همپوشانی: تنظیم عاطفی از طریق یادآوری برای کنترل خود(شکر به عنوان ابزار خود تنظیمی)	همپوشانی در مرحله متعارف(مسئولیت اجتماعی) تفاوت: کلبرگ بر استدلال منطقی تمرکز دارد نه شکر عاطفی
۲	خودنظارتی	همپوشانی: نظارت بر رفتار مانند شرطی سازی اما قرآن آن را نهی می‌کند	همپوشانی قوی: هسته خودتنظیمی شامل نظارت، قضاوت و واکنش	تفاوت: این قسمت در نظر کلبرگ خارجی است اما از نظر قرآن درونی است(نفس لواحه)
۳	ظرفیت سازی درونی	قرآن بر ظرفیت سازی درونی تأکید دارد نه رفتارگرایی خارجی و شرطی سازی	تنظیم برای تاب آوری	همپوشانی با مرحله پس متعارف یعنی اصول جهانی
۴	زهد	رفتارگرایی مادی است اما زهد معنوی است	همپوشانی با "کنترل"	نقد کلبرگ برای عدم توجه به زهد؛ همپوشانی با مرحله متعارف یعنی کنترل نفس
۵	پذیرش مسئولیت فعالانه	تقویت مسئولیت از طریق پاداش	همپوشانی با مسئولیت درونی	همپوشانی با مراحل ۴-۶ مسئولیت اجتماعی
۶	طلب فضل الهی	رفتار گرایی سکولار است اما قرآن الهی؛ تفاوت میان دعا و تقویت	همپوشانی با انگیزش درونی؛ دعا به عنوان خودتنظیمی معنوی	همپوشانی با مرحله ۶ یعنی اصول فراحق
۷	روشنگری	همپوشانی با مدلینگ رفتاری؛ تفاوت بین روشنگری و مشاهده	همپوشانی با تنظیم اجتماعی، روشنگری همراه با خودتنظیمی گروهی	همپوشانی با مراحل ۳-۵ یعنی روابط اجتماعی

تبيين اصول تربيتي ناظر بر اصلاح آسيب شناسي رفتاري انسان براساس قرآن كريم

ردیف	اصول قرآنی	نظريه رفتارگرایی	خودتنظیمی	رشد اخلاقی کلبرگ
۸	حفظ عزت نفس	رفتارگرایی شرطی است و پاداش را مطرح می کند	همپوشانی با خودکارآمدی (کرامت با تنظیم نفس)	همپوشانی با مرحله ۵ یعنی حقوق فردی
۹	مواجهه شایسته	همپوشانی با اصلاح تدریجی رفتار، تفاوت میان مواجهه و تنبیه	همپوشانی با کنترل تعارض	همپوشانی با مرحله ۴ یعنی نظم اجتماعی، تفاوت بین شایسته و عدالت
۱۰	تعقل منطقی	رفتار گرایی غیرعقلانی است اما قرآن عقل محور است	همپوشانی با تصمیم گیری تنظیم شده	همپوشانی با مراحل ۵-۶ یعنی استدلال

اصول قرآنی جامع ترند در حالی که رفتارگرایی، خارجی و مکانیکی است؛ نظریه کلبرگ "شناختی - مرحله ای" است و فاقد بعد معنوی و خود تنظیمی، درونی اما سکولار است. قرآن تعادل ایجاد می کند اما نظریه های نوین ابزارهای عملی ارائه می دهند که می توان با قرآن غنی کرد. اصول فردی و اجتماعی یاد شده، به طور جدایی ناپذیری با یکدیگر مرتبط هستند و هر دو در فرآیند اصلاح آسیب های رفتاری نقش مکمل ایفا می کنند.

جدول ۶. رابطه عمودی و افقی اصول قرآنی با یکدیگر

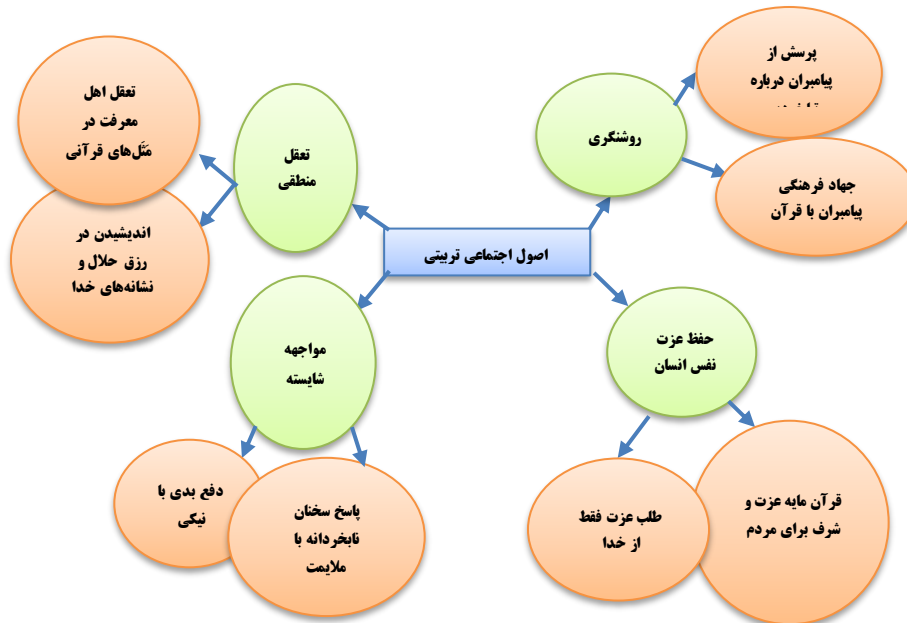
ردیف	اصول قرآنی	ارتباط افقی / درون حوزه	ارتباط عمودی / میان دو حوزه
۱	تذکار	پایه همه اصول فردی؛ بدون تذکار، هیچ اصل دیگری فعال نمی شود.	تذکر فردی → تذکر اجتماعی (اگر فرد بیدار نباشد، نمی تواند به دیگران تذکر دهد)
۲	یادآوری نعمت ها	مکمل تذکار؛ تذکار را از حالت منفی و ترس به حالت مثبت و شکر تبدیل می کند.	شکر فردی → فرهنگ شکر جمعی (فرد شاکر، جامعه را به انفاق و همدلی دعوت می کند)
۳	خودنظارتی	نتیجه تذکار و شکر؛ تبدیل یادآوری به عمل درونی است	خودنظارتی فردی → امر به معروف اجتماعي (کسی که نفس خود را نظارت می کند، دیگران را هم نهی می کند)
۴	ظرفیت سازی درونی	نتیجه خودنظارتی این است که نفس لوامه	ظرفیت فردی → ظرفیت

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

ردیف	اصول قرآنی	ارتباط افقی / درون حوزه	ارتباط عمودی / میان دو حوزه
		به مطمئنه تبدیل می شود	اجتماعی (کسی که در سختی خود صبر کند در مواجهه با مخالفان هم صبر می کند)
۵	زهد	مکمل ظرفیت سازی؛ دل را از غیر خدا خالی می کند	زهد فردی → عدالت اجتماعی (زاهد واقعی، مالش را در راه خدا می دهد)
۶	پذیرش مسئولیت فعالانه	نتیجه همه اصول قبلی؛ فرد مسئول، جامعه را اصلاح می کند	مسئولیت فردی → مسئولیت اجتماعی
۷	طلب فضل الهی	منبع انرژی همه اصول؛ بدون دعا، اصول خشک و مکانیکی می شوند	دعای فردی → دعای اجتماعی (کسی که برای خودش دعا می کند، برای هدایت دیگران هم دعا می کند)
۸	روشنگری	دعوت به راه خدا با حکمت در حوزه رفتار اجتماعی	همه اصول فردی → روشنگری (فرد کامل شده، دیگران را به کمال دعوت می کند)
۹	حفظ عزت نفس	نتیجه زهد و ظرفیت سازی؛ عزت واقعی از درون می آید	عزت فردی → عزت اجتماعی (مومن با عزت، جامعه را از ذلت نجات می دهد)
۱۰	مواجهه شایسته	نهی از منکر مرحله ای و با مهربانی	ظرفیت سازی، زهد، مسئولیت → مواجهه شایسته (فرد صبور و زاهد، بهترین نهی از منکر را می کند)
۱۱	تعقل منطقی	پایه همه اصول، بدون عقل، هیچ اصل دیگری درست اجرا نمی شود	تعقل فردی → تعقل اجتماعی (کسی که در خلقت تدبر کند، در مسائل اجتماعی هم منطقی رفتار می کند)



شکل ۱. نقشه شبکه مضامین اصول فردی تربیتی ناظر به اصلاح آسیب‌های رفتاری فردی



شکل ۲. نقشه شبکه مضامین اصول فردی تربیتی ناظر به اصلاح آسیب‌های رفتار اجتماعی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش « تبیین اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌شناسی رفتاری انسان براساس قرآن کریم » با استفاده از روش تحلیل مضمون، به شناسایی اصول کلیدی تربیتی به منظور اصلاح آسیب‌های رفتاری پرداخته است. ابتدا آسیب‌های رفتاری براساس انسان‌شناسی در آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر استخراج گردید و در دو حوزه رفتاری تقسیم می‌گردد: حوزه رفتار فردی شامل غفلت در زندگی، ناسپاس بودن، غرور و تکبر، جزع و بی‌تابی، حریص بودن، کم‌طاقتی و یأس در سختی‌ها، بخل‌ورزی و حوزه رفتار اجتماعی شامل تمسخر، عیبجویی، افشای اسرار، تجسس، غیبت، تهمت، کینه‌توزی، نفاق، حسد و خشم. در ادامه اصول تربیتی ناظر بر اصلاح آسیب‌های رفتاری نیز در دو سطح یادشده براساس آیات قرآن کریم و با استفاده از روش تحلیل مضمون

استخراج گردید که در حوزه فردی شامل تذکار، یادآوری نعمت‌ها، خودنظارتی و خویش‌بانی، شرح صدر (ظرفیت‌سازی درونی)، زهد و بی‌اعتنایی به زوائد، پذیرش مسئولیت فعال، طلب فضل الهی و در حوزه اجتماعی شامل روشنگری و انتقال فعال ارزش‌ها، حفظ عزت نفس و کرامت انسانی، مواجهه شایسته و تعقل منطقی می‌باشد. این اصول از منظر انسان‌شناسی اسلامی، انسان را موجودی دارای فطرت الهی، مسئول، و در مسیر کمال معرفی می‌کنند که با بهره‌گیری از این اصول تربیتی می‌تواند ضعف‌های نفسانی خود را مهار کرده و به تعالی اخلاقی و معنوی دست یابد.

در یک مقایسه تطبیقی، اصول تربیتی قرآن از منظر انسان‌شناسی اسلامی، بنیانی درون‌زا برای اصلاح رفتار فراهم می‌آورد؛ در حالی که نظریات تربیتی نوین، غالباً بر سازوکارهای شناختی- رفتاری، انگیزش فردی و محیط یادگیری تمرکز دارند. ترکیب این دو رویکرد نشان می‌دهد که تربیت کارآمد، زمانی حاصل می‌شود که اصلاح ساختارهای درونی انسان و تنظیم کنش‌های بیرونی او، نه تنها بر مبنای اصول روان‌شناختی، بلکه در پرتو هدایت و حیانی و ارزش‌های قدسی سامان یابد.

اصول فردی پایه و اساس اصلاح درونی می‌باشند؛ زمینه‌ساز اصول اجتماعی هستند که به اصلاح جامعه و روابط اجتماعی می‌پردازند. رابطه این دو دسته اصل، رابطه‌ای عمودی و افقی است: اصول فردی (عمودی، یعنی رابطه فرد با خدا و خود) پایه‌ای برای اصول اجتماعی (افقی، یعنی رابطه فرد با جامعه) فراهم می‌کنند، و هر دو ذیل رابطه با خدا، با بازگشت به فطرت و تقویت ایمان آسیب‌های رفتاری را در مسیر اعتدال^۱ اصلاح می‌کنند.

برای توسعه و تعمیق پژوهش در این حوزه، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. بررسی تطبیقی با مکاتب تربیتی مدرن: پژوهشی تطبیقی بین اصول تربیتی قرآنی (مانند زهد و تعقل) و نظریه‌های تربیتی مدرن (مانند نظریه‌های رفتارگرایی یا شناختی) انجام شود تا نقاط تمایز و قوت انسان‌شناسی اسلامی در اصلاح آسیب‌های رفتاری مشخص گردد.

۲. تمرکز بر آسیب‌های رفتاری خاص: پژوهش‌های تخصصی با تمرکز بر یک آسیب رفتاری (مانند نفاق یا تکبر) و تبیین اصول تربیتی متناظر با آن (مانند عزت و تواضع) انجام شود. این مطالعات می‌توانند با تحلیل آیات مرتبط و روایات مکمل، راهکارهای عملی‌تری ارائه دهند.

۳. توسعه ابزارهای آموزشی مبتنی بر قرآن: ابزارها و برنامه‌های آموزشی (مانند کارگاه‌های تربیتی یا محتوای دیجیتال) بر اساس اصول شناسایی شده طراحی شوند. به‌عنوان مثال، برنامه‌ای برای آموزش خودکنترلی با استناد به آیه ۱۳۴ سوره آل‌عمران و روش‌هایی مانند تمرین کظم غیظ تدوین شود.

۴. استفاده از فناوری در ترویج اصول تربیتی: با توجه به گسترش فناوری، اپلیکیشن‌ها یا پلتفرم‌های آموزشی مبتنی بر اصول قرآنی (مانند تذکار و تعقل) طراحی شوند که با ارائه محتوای تعاملی، به اصلاح آسیب‌های رفتاری در جوامع معاصر کمک کنند.

References

قرآن کریم

- Babli monochehar Ali taleb, (1395), movane(nazari-amali)cpedayat ensan ba mahvarit gharan, bah ranpannamayy: sid abdollah esfehani, daneshkodeh alum gharani amol,daneshgah alum ve moaref gharan karim.[In Persian]
- Bagheri Khosrow, (2019), A New Look at Islamic Education, Volume One, Chapter 49. Tehran: Borhan School Cultural Institute. [In Persian]
- Beheshti Saeed, (2010), Philosophical Reflections on Education, Tehran: Islamic Propaganda Organization, International Printing and Publishing Company. [In Persian]
- Brahman Maryam and Hosseini Mahdieh, (1402). Explanation of human behavioral weaknesses and educational methods to correct them based on the Holy Quran, Siraj Munir Magazine, 47: 116-85. [In Persian]
- Brahman Maryam and Movahedini Elham, (1402), The model of human existential evolution based on the mystical thought of Allameh Tehrani and its educational implications, Research on Islamic Education Issues, 60, 17-46.DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.1.1. [In Persian]
- Creswell, J. w. (2014). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (4th Ed). SAGE publications. 199-197.
- Davoudi Mohammad, (2012), The Educational Life of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (AS): Moral Education. Volume 3, Fifth Edition, Qom: Seminary and University Research Center. [In Persian]
- Hakim Mohammad Ali and Madani Alireza, (2019), Reflection of Educational Concepts in the Holy Quran, First National Conference on Tomorrow's School. [In Persian]
- Hassani Mohammad, (1379), An Introduction to the Foundations, Principles, and Methods of Political Education from the Perspective of Imam Ali (AS), Islamic Education Magazine, 4: 442-460. [In Persian]
- Karimi Bahreh and Zarei Jiliani Mohsen, (2016), Educational works on belief in the resurrection in worldly life from the perspective of the Holy Quran, First International Scientific Research Conference on the Relations between Humanities and Islamic Civilization. [In Persian]
- Krippendorf, Klaus. (2013). *Content Analysis an Introduction to Its Methodology* (2th Ed). SAGE publications.
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub, (1984), Principles of Al-Kafi, translated by Seyyed Javad Mostafavi, 4-volume collection, Qom: Islamic Seminary. [In Persian]
- Makarem Shirazi Nasser, (1390). The message of Imam Amir al-Mu'minin, peace be upon him. Qom: School of Imam Ali Ibn Abi Talib.[In Persian]
- Makarem Shirazi Nasser, (2002), Exemplary Tafsir, Qom: Darul Kitab al-Islamiyya. [In Persian]
- Moein, Mohammad, (2007), Moein Dictionary (one volume Persian), third edition, Tehran: Zarrin. [In Persian]
- Motahari, Morteza, (1402), Revival of Islamic Thought, Tehran: Sadra. [In Persian]

- Nabati Sabiha, (2018), The Principles of Praising and Condemning Man in the Quran with Emphasis on the Interpretation of Al-Mizan and the Explanations of the Unseen and Its Consequences on a Good Life, Under the Guidance of: Sadruddin Taheri, Faculty of Islamic Studies, University of Religions and Denominations.[In Persian]
- Naraqī Mahdi, (1408 AH), Jame' al-Saadat, vol. 2. Beirut: Al-Alamiyah Press Institute.[In Persian]
- Naraqī Mahdi, (b.a.), Jame' al-Saadat. Qom: Ismaili Publications.[In Persian]
- Neuendorf, K. A. (2017). The content analysis guidebook. (2th Ed). SAGE publications.
- Qaraati Mohsen, (2010), Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran. [In Persian]
- Qaysari Goodarzi Kiyomars, (1402), Analysis of the concept of reason from the perspective of Imam Ali (peace be upon her) and deducing its implications in the middle and principles of rational education, Research on Issues in Islamic Education, 58: 119-154. DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.58.4.4. [In Persian]
- Raghib Isfahani Hussein bin Muhammad, (Beta), Mufradat Al-Afsah Al-Quran, Tehran: Ismaili Institute. [In Persian]
- Shamshiri Babak; Rahimian Saeed and Tajali Ardakani Hossein Ali, (2019), Study of some components of spiritual education curriculum within the framework of Seyyed Hossein Nasr's traditionalism, Journal of Curriculum Research, 9(1): 355-320. [In Persian]
- Shariati Zahra; Ahmadi Wajihah; Ababaei Majid and Paskamari Taybeh, (1403), The perspective of the Holy Quran in relation to the educational and cultural principles of teachers in the educational system of schools, the first international conference on education with the approach of smart schools, creative teachers and thoughtful students in the horizon of 1404. [In Persian]
- Tabarsi Fadl ibn Hassan, (1973), Tafsir Majma' al-Bayan, translated by Ahmad Beheshti, Tehran: Farahani. [In Persian]
- Tabarsi Hossein al-Nuri, (1408 AH), Mustadrak al-Wasail and Mustabt al-Masal, Beirut: Al-Bayt Institute for the Law of Tradition. [In Persian]
- Tabataba'i Muhammad Hussein, (1393 AH), Tafsir al-Mizan, Qom: Dar al-Kutb al-Islami. [In Persian]
- Tareehi Fakhrudin bin Mohammad, (1365), Al-Bahrain Assembly, Tehran: Al-Muktaba al-Mortazaweh. [In Persian]
- Zandi Khalil and Mirzaei Far Davoud, (1403), Qualitative Content Analysis of the Book "Education and Training in Islam": Extracting the Islamic Education Model from the Perspective of Martyr Morteza Motahari, 65, 59-78. [In Persian]

